

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
سوالات تجزیه و ترکیب آیات ۱ الی ۱۰ سوره مبارکه معارج

❖ **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ (۱)**

۱. معنای باء در "بعذاب واقع"

سأل در کلام عرب به صورت استعمال می گردد:

۱. به معنای "استعلم" یعنی پرسیدن که در این صورت مفعول اول را به بنفسه و مفعول دوم را به واسطه "عن" می گیرد.

۲. به معنای "طلب" که دو مفعول بنفسه می گیرد.

در اینجا نیز ظاهراً "سأل" به همین معناست بنابراین اینکه برخی گفته اند باء به معنای "عن" است چندان مورد پذیرش نیست بلکه از باب تضمین است یعنی همانطور که زمخشری در کشاف گفته است فعل "سأل" به معنای "عنی" یا "اهتم" است که با باء متعدی می شود و یا بنا بر نظر التحریر به معنای "استعجل" است که با باء متعدی می گردد و در صورت تضمین "سأل" یک مفعولی به واسطه باء خواهد بود نه دو مفعولی.

❖ **لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)**

۲. متعلق "للكافرين"

یا متعلق است به "واقع" و یا متعلق به فعل عامّ مقدّر و صفت است برای "عذاب" و یا خبر است برای مبتدای محذوف و لام برای استحقاق است یا شبه ملک.

۳. نقش جمله "لیس له دافع"

صفت سوّم برای "عذاب"

۴. معنای لام در "له" و نقش "له"

شبه ملک، خبر مقدّم برای "دافع"

❖ **مَنْ أَلَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ (۳)**

۵. متعلق "من الله"

متعلق به "واقع" و یا متعلق به فعل عامّ مقدّر و صفت چهارم برای "عذاب"

۶. بررسی لغوی و صرفی "معارج"

اسم آلت از فعل "عَرَجَ يُعْرَجُ عَرَجًا"

❖ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (۴)

۷. نقش "تعرج"

استینافیه یا جمله حالیه و رابط را در تقدیر میگیریم "ها"

۸. بررسی لغوی "روح"

اسم ذات است که علم بر شخصی است و در مصداق این شخص اختلاف است؛ از رَاح، یَرُوح، رَوَاحاً است که در اصل ریشه روح به معنای وسعت و فراخ است.

۹. بررسی لغوی و صرفی "مقدار"

ریشه قدر در اصل لغت به معنای نهایت شیء است و مقدار اسم آلت است به معنای وسیله سنجش اندازه و نهایت شیء

۱۰. بررسی لغوی "خمسین"

از خمس گرفته شده و خمس به معنای ۵ است و از آن فعل صنایعی مشتق شده است مانند: خَمْسَةُ الْقَوْمِ: یعنی من قوم را ۵ تایی کردم. یعنی با من ۵ نفر می شوند.

۱۱. بررسی لغوی "سنه"

در اینکه در اصل "سنو" بوده است یا "سنه" اختلاف است و اولی مشهور تر است که لام الفعلش حذف گشته و عوض از آن تاء تأنث آمده است.

❖ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۵)

۱۲. نوع فاء در "فاصبر"

اگر عطف انشاء بر خبر صحیح باشد که نظر برخی نحویین است می توان فاء را عاطفه بر "سأل" سائلٌ بعذاب واقع" گرفت اما اگر چنین عطفی را صحیح ندانیم فاء را فسیحه رابط جواب شرط مقدر میگیریم: إذا سأل سائل بعذاب فاصبر

❖ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶) وَ نَرَاهُ قَرِيبًا (۷)

۱۳. نقش "إنهم يرونه بعيدا"

التحریر: جمله تعلیلیه از "سأل" و "اصبر" زیرا دلیل درخواست عذاب بعید دانستن عذاب و علت صبر پیغمبر باید قریب بودن عذاب واقع در قیامت باشد.

❖ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

۱۴. متعلق "یوم"

وجوهي را در متعلق آن گفته اند اما اقرب وجهي است که ذکر نشده است و آن اینکه بگوئيم متعلق به فعل عامّ مقدّر بوده و حال مي شود از ضمير در "پروانه" يعني عذابي که آنها دور و ما نزديک مي بينيم اين عذاب در حالي است که در روزي محقق مي گردد که آسمان مانند فلز گداخته گردد.

۱۵. بررسي لغويّ "مهل"

"مهل" داراي دو اصل است:

۱. به معنای سکون و آرامش است و "مهمت دادن" به جهت سکون و آرامش و صبري که در آن است مهلت اطلاق گشته است. اين ریشه داراي فعل مَهَلَّ مَهْلًا مَهْلًا مي باشد.
۲. به معنای گداخته و ذوب شده که در اینجا به همین معناست.

❖ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹)

۱۶. بررسي لغويّ "جبال"

ریشه جبل به معنای جمع کردن در مقام مرتفع است و جِبَلٌ به جمعیت زیاد گفته شده و جبل نیز چون مرتفع است و از اين ریشه فعل جَبَلَهُ اللهُ عَلِي كَذَا يَجْبِلُ ساخته شده است يعني خدا بر فلان فطرت او را خلق نموده يعني فلان صفات را در او جمع نموده است.

۱۷. بررسي لغويّ "عهن"

از فعل عَهَنَ يَعْهَنُ عُهُونًا در اصل ریشه به معنای سهولت و آساني است و اين فعل به معنای اینکه به راحتی به دست آمد و عِهْن اسم ذات به معنای: پشم رنگارنگ گفته مي شود.

❖ وَ لَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰)

۱۸. بررسي لغويّ "يسأل"

در آیه اول اين سوره گذشت.